



## Dealing with the "Normalization of Relations" with the Zionist Regime from the Perspective of International Law: Obligations and Capacities

Mohammad Setayesh Pur

Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

## مقابله با «عادی سازی روابط» با رژیم صهیونیستی از منظر حقوق بین الملل: تعهدات و ظرفیت ها

محمد ستایش پور

استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

http://orcid.org/0000-0001-9647-9391

### Abstract

Some countries of West Asia and North Africa, sometimes, through concluding an agreement with the Zionist regime, have publicly tried to establish normal relations with this regime. The following lines examine the normalization of relations with the Zionist regime from the perspective of international law. The research method is descriptive-analytical and the sources have been collected by the library method. This article has argued through the analysis of international legal propositions that considering the fact that these countries are members of the Organization of Islamic Cooperation, any action they take to normalize relations with the Zionist regime is contrary to the mission of the Organization of Islamic Cooperation and in addition to the responsibility of those countries, it includes the responsibility of the mentioned international organization. The following article has presented a proposal with a functionalist perspective, and that is that in a situation where the Organization of Islamic Cooperation has not been able to achieve its goals, including the rights of the Palestinians, the International Conference of Islamic Unity is a suitable platform for the development and realization of international rights. It has provided customary international law among Islamic countries.

**Keywords:** Zionist Regime, Palestine, Organization of Islamic Cooperation, International Islamic Unity Conference.

### چکیده

بعضی از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، بعضاً، از طریق انعقاد توافق با رژیم صهیونیستی، به صورت علنی، درصدد برقراری روابط عادی با این رژیم برآمده‌اند. سطور پیش رو به بررسی عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی از منظر حقوق بین الملل پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و منابع به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. نوشتار حاضر از رهگذر تحلیل گزاره‌های حقوقی بین المللی استدلال کرده است که با توجه به این که قاطبه این کشورها، عضو سازمان همکاری اسلامی هستند، هرگونه اقدام آن‌ها برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مغایر با رسالت سازمان همکاری اسلامی است و افزون بر مسئولیت آن کشورها، مسئولیت سازمان بین المللی یاد شده را دربردارد. مقاله پیش رو با نگاهی کارکردگرایانه، پیشنهادی ارائه کرده و آن، این است که در وضعیتی که سازمان همکاری اسلامی نتوانسته است به اهداف خود از جمله احقاق حقوق فلسطینیان ناآید، کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی بستر مناسبی برای تکوین و احراز حقوق بین الملل عرفی در میان کشورهای اسلامی فراهم کرده است.

**واژگان کلیدی:** رژیم صهیونیستی، فلسطین، سازمان همکاری اسلامی، کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی.

Received: 2022/10/30 - Review: 2023/01/04 - Accepted: 2023/02/05

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

ارجاع:

ستایش پور، محمد؛ (۱۴۰۱)، مقاله با «عادی سازی روابط» با رژیم صهیونیستی از منظر حقوق بین الملل: تعهدات و ظرفیت‌ها، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

## مقدمه

به‌رغم نقض مستمر و اعمال تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، برخی از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا در صدد عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی برآمده‌اند. در سال ۲۰۲۰ میلادی، کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا، بعضاً، از طریق انعقاد توافق با رژیم صهیونیستی، مبادرت به علنی کردن روابط خود با رژیم صهیونیستی کرده‌اند. این توافقات به‌عنوان بخشی از پیمان موسوم به ابراهیم و با پادرمیانی رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، صورت گرفته است.<sup>۱</sup> بیانیه موسوم به ابراهیم،<sup>۲</sup> بیانیه مشترک رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ میلادی است.<sup>۳</sup> این در حالی است که از زمان امضای توافقنامه صلح رژیم صهیونیستی با مصر در سال ۱۹۷۹ میلادی و صلح با اردن در سال ۱۹۹۴ میلادی، این اولین باری دانسته می‌شود که کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، به صورت علنی، در صدد برقراری روابط عادی برآمده‌اند. ترکیه نیز که در واکنش به ادعای رژیم صهیونیستی در خصوص انتقال پایتخت به بیت المقدس، سفیر خود را از تل آویو فراخوانده بود، در راستای عادی‌سازی روابط خود با این رژیم جعلی، اقدام نموده است. رژیم صهیونیستی، در صدد عادی‌سازی روابط با کشورها به‌ویژه کشورهای غرب آسیا نموده است و در این راه، متأسفانه برخی از کشورها نیز به آن رژیم دست یاری داده‌اند.

۱- باشگاه خبرنگاران جوان، «عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، پرورش مار در آستین است».

2- Abraham Accords

3- See <https://www.presstv.ir/Tags/39814>

جستار حاضر بر آن شده است تا به بررسی موضوع «عادی‌سازی روابط» با رژیم صهیونیستی از منظر حقوق بین‌الملل بپردازد. فرضیه پژوهش پیش رو این است که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نقض تعهدات بین‌المللی از پیش موجود است و از رهگذر کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی می‌توان مبادرت به تکوین و احراز حقوق بین‌الملل عرفی در راستای مقابله با آن پرداخت. موضوع عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا با رژیم صهیونیستی، از ابعاد مختلف از جمله و به‌ویژه حقوق مسلمانان و امنیت ملی، حائز اهمیت است. این در حالی است که تا به امروز در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل، آن چنان که بایسته و شایسته می‌نماید به آن پرداخته نشده است و بیشتر، از منظر علوم سیاسی بر آن نظر دوخته شده است. مقاله پیش رو، بر آن شده است تا از منظر حقوق بین‌الملل به بررسی عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نظر بدوزد و این مستلزم آن است که مقررات بین‌المللی حاکم بر آن بررسی گردند.

پژوهش پیش رو، یک پژوهش کمی به شمار نمی‌رود. بنابراین روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد. راستی آزمایی فرضیه‌های این پژوهش از طریق توصیف، تحلیل و بررسی منابع حقوق بین‌الملل عمومی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است که این اطلاعات از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شده‌اند. به منظور پرداختن به موضوع یاد شده و راستی آزمایی فرضیه مطروحه، نخست به گزاره مفهومی عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نظر دوخته می‌شود، سپس به تحقق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به‌عنوان عمل متخلفانه بین‌المللی پرداخته می‌شود و پس از آن، ظرفیت‌های کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی برای مقابله با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تحلیل می‌گردد.

### ۱- گزاره مفهومی «عادی‌سازی روابط» با رژیم صهیونیستی

صلح و پرهیز از تفرقه و تنازع، در زمره موضوعات بسیار مهمی است که همواره در خصوص منطقه غرب آسیا برجسته بوده است. رژیم صهیونیستی، در صدد برقراری روابط با برخی از کشورهای عربی برآمده است. به این منظور، نتایهو به‌عنوان نماینده رژیم صهیونیستی، در اکتبر ۲۰۱۸ میلادی، دیداری رسمی با عمان داشت و این اولین دیدار رسمی یک نخست‌وزیر از رژیم صهیونیستی با مقامات رسمی و بلندپایه عمانی دانسته می‌شود. دیری نباید که همسو با این موضع، نتایهو، نخست‌وزیر وقت رژیم

صهیونیستی، در فوریه ۲۰۲۰ میلادی، با ریاست شورای حاکمیت سودان دیدار داشت (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۰۲). در ژوئن سال ۲۰۲۰ میلادی، وزیر وقت امور خارجه امارات متحده عربی در کنفرانس سالانه کمیته یهودیان ایالات متحده آمریکا به صورت مجازی شرکت کرد و طی اظهارات خود در آن کنفرانس، به صورتی علنی ارتباط با رژیم صهیونیستی را اعلام کرد.

دانستن مفهوم «عادی سازی روابط»، مستلزم آن است که پیشینه مناسبات میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بیان شود. کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در ابتدا روابط خصمانه‌ای با یکدیگر داشتند و پس از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، به رغم آن که جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی تمام شده بود، تحت تأثیر آن روابط حسنه‌ای با یکدیگر نداشتند. در واقع، به تعبیر حقوقی، صلحی که پس از جنگ میان اعراب و رژیم صهیونیستی ایجاد شد یک صلح منفی بود و این به آن معنا است که صرفاً با یکدیگر جنگ نداشتند ولی رابطه حسنه‌ای نیز میان آن‌ها نبود. رفته رفته در دهه هشتم از قرن بیستم میلادی، اقدامات مؤثری در راستای رفع تنش و به تعبیری، برقراری صلح مثبت صورت گرفت. در این راه، برخی از اعراب، طرح سازش فلسطین و رژیم صهیونیستی را ارائه کردند. به تدریج، از سال ۲۰۱۱ میلادی که در منطقه غرب آسیا تحولات زیادی صورت گرفت، منافع و تهدیدات مشترکی برای برخی از کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی محقق شد و با ایفای نقش کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا توافق امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی انجام شد. پس از آن، بحرین به این توافق پیوست و به نحوی پیش رفت که برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز که در ابتدا، با رژیم صهیونیستی در جنگ بودند، نه تنها تنش زدایی کردند که در راستای برقراری روابط صلح آمیز در معنای صلح مثبت با آن رژیم برآمده‌اند (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۰۲). پس از امارات متحده عربی و بحرین، مراکش و سودان نیز این توافق را امضاء کردند.

طرح عادی سازی روابط برخی از کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، متعاقب توافق موسوم به ابراهیم صورت گرفت که خود، موجب آن شده است که مناسبات در منطقه غرب آسیا پیچیده تر گردد. به موجب توافق موسوم به ابراهیم، حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بیت المقدس به رسمیت شناخته شده است و این رژیم را مجاز خوانده است که تا سی درصد از کرانه باختری را ضمیمه کند. مضاف بر این، به موجب توافق ابراهیم، حق فلسطین برای ایجاد ارتش و دسترسی به دریا محدود خوانده شده است.

توافق ابراهیم آن دسته از کشورهای عربی که با آن رژیم، مرز مشترک ندارند و حتی به هیچ وجه با آن رژیم مخاصمه نداشته‌اند را نیز شامل می‌شود و این در حالی است که این امر در مورد توافق‌های پیش از این، صدق نمی‌کند (پیرمحمدی و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۰).

## ۲- تحقق عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی به عنوان عمل متخلفانه بین المللی

قاپبه کشورهای اسلامی، پیش تر سند مؤسس سازمان همکاری اسلامی را امضاء کرده‌اند و عضو سازمان یاد شده دانسته می‌شوند.<sup>۴</sup> سازمان همکاری اسلامی، به عنوان یک سازمان بین المللی تأسیس شده است تا از آن رهگذر، کشورهای اسلامی بتوانند در احیای حقوق فلسطینیان، همکاری نهادینه داشته باشند (Charter of Organization of Islamic Cooperation, 1972, 3). سازمان همکاری اسلامی، با این منظور بوده است که از مردم فلسطین که اکنون تحت اشغال خارجی هستند، حمایت کند و از آن‌ها حمایت شود تا بتواند به حقوق خود، نظیر حق تعیین سرنوشت، دست یابد.<sup>۵</sup> هرگونه اقدام کشورهای اسلامی برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مغایر با رسالتی دانسته می‌شود که برای سازمان همکاری اسلامی ترسیم شده است (OIC Charter, op.cit Art1).

سازمان همکاری اسلامی، به عنوان یک سازمان بین المللی واجد شخصیت حقوقی بین المللی، لازم است تا رویکردی فعالانه اتخاذ نماید و بکوشد تا در جهت نیل به اهداف آن سازمان، میان اعضا، هماهنگی حاصل شود. سازمان همکاری اسلامی، باید از ظرفیت‌های خود به عنوان یک تابع فعال در حقوق بین الملل، استفاده کند و از رهگذر تصمیم‌های خود درصدد دور نشدن از اهداف سازمان برآید. در واقع، لازم است که سازمان همکاری اسلامی به موجب اساسنامه و رسالتی که برای آن در نظر گرفته شده است، یک به یک اعضای خود را ملزم دارد تا در ارتباط‌های خویش با رژیم صهیونیستی، از حقوق فلسطینیان حمایت به عمل آورند و دست کم، آن را تضرع نکنند (OIC Charter op.cit). هر یک از کشورهای عضو سازمان بین المللی، چنانچه تعهد بین المللی خود را نقض کنند، مسئولیت بین المللی دارند

۴- برای مشاهده فهرست اعضا منشور سازمان همکاری اسلامی مراجعه کنید به:

<https://www.oic-oci.org/states/?lan=en>

5- [https://www.oic-oci.org/page/?p\\_id=53&p\\_ref=27&lan=en](https://www.oic-oci.org/page/?p_id=53&p_ref=27&lan=en)

(International Law Commission, 2001, Art 1). این تعهد بین‌المللی، چنانچه ناشی از سند مؤسس آن سازمان باشد، لازم است که سازمان یاد شده، سازوکار مناسبی اتخاذ کند (International Law Commission, 2001, Art 18). در وضعیت کنونی، با توجه به این که این نقض تعهد بین‌المللی که توسط برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی صورت گرفته است، یک نقض مستمر دانسته می‌شود و به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس شده، توقف نقض یاد شده بایسته است.

رژیم صهیونیستی، در طول سالیان، به انحاء گونه‌گون، اقدام به نقض حقوق بین‌الملل، از جمله و به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نموده است. این نقض‌ها به نحوی است که می‌توان آن‌ها را سیستماتیک (نظام‌مند) دانست. نقض حقوق بین‌الملل، به‌ویژه نقض سیستماتیک حقوق بین‌الملل بشر، صلح و امنیت بین‌المللی را متأثر ساخته و به خطر افکنده است. سازمان همکاری اسلامی، درصدد بر آمده است که به صورت سامان‌دهی شده در راستای احقاق حقوق فلسطینیان بکوشد. از آن سو، رژیم صهیونیستی، در راستای تحقق رویکرد تجاوزکارانه خود، درصدد عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی نموده است. در این راه، متأسفانه برخی از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا نیز دست رد به سینه آن رژیم زنده‌اند و تأسف بارتر این است که، برخی به آن رژیم دست یاری داده‌اند. سازمان همکاری اسلامی، با تکیه بر دین مبین اسلام، به منظور لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و جلوگیری از تزلزل صلح و امنیت بین‌المللی و کمک به دوام آن، تأسیس شده است و اساساً هرگونه کمک یا مساعدت با رژیم صهیونیستی مغایر با رسالت این سازمان قلمداد می‌شود. کمک یا مساعدت می‌تواند عمل ایجابی یا عمل سلبی (ترک فعل) باشد. از این رو، لازم است سازمان همکاری اسلامی با توجه به ظرفیت‌هایی که دارد، کشورهای عربی عضو خود را به متابعت و ابدار و دست کم، از رهگذر توصیه، آن‌ها را از کمک یا مساعدت با رژیم صهیونیستی تشویق کند و بر حذر بدارد که «گرت هوش است و هنگ، دار حذر/ ای خرمند از این عظیم نهنگ».

در واقع، بایسته است که سازمان همکاری اسلامی، با اتخاذ رویکردی فعال و به دور از انفعال، صرفاً مناسبات را به نظاره نشیند و از رهگذر صدور قطعنامه، حتی اگر توصیه باشد، دست کم رویکرد خود را

ایضاح کند. با توجه به اهداف یا به تعبیر بهتر، رسالتی که کنفرانس همکاری و سپس، سازمان همکاری اسلامی، به آن منظور ایجاد شده است، این سازمان از رهگذر صدور قطعنامه، بکوشد تا حقوق فلسطینیان، از جمله و به‌ویژه حق فلسطینیان بر تعیین سرنوشت، تضحیح نشود. سازمان همکاری اسلامی می‌تواند بستر مناسبی برای هماهنگی میان اعضاء فراهم آورد. چه این که، اساساً نفس شکل‌گیری و توسعه روزافزون کمی و کیفی سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان تابعان فعال حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی، با هدف نظام‌مند شدن همکاری در پهنه بین‌المللی است. با توجه به اشتراک ایدئولوژیکی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، تعامل کشورهای اسلامی مورد انتظار است و این مستلزم آن است که سازمان یاد شده با تکیه بر اساسنامه خود، به دور از رویکرد منفعلانه، اقدام نماید.

### ۳- ظرفیت‌های کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی برای مقابله با عادی‌سازی روابط با

#### رژیم صهیونیستی

با توجه به آن چه که در قسمت قبل تحلیل شد، تحقق عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، عمل متخلفانه بین‌المللی است و از این رو بایستی مقابله حقوقی با آن بر آمد. بخش حاضر سعی بر آن دارد تا به ظرفیت‌های کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی برای مقابله با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نظر بدوزد و به این منظور، اهمیت کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در نظام منابع حقوق بین‌الملل را به زیر ذره بین برد تا بشود از این ظرفیت برای مقابله با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بهره گرفته شود. در این باره شایسته توجه است که به تازگی، از تاریخ هفدهم لغایت بیست و دوم مهر ۱۴۰۱ هجری شمسی (برابر با دوازدهم لغایت هفدهم ربیع الاول ۱۴۴۴ هجری قمری)، سی و ششمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی برگزار گردید. موضوع سی و ششمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی، صلح و پرهیز از تفرقه و تنازع در جهان اسلام، راهکارهای اجرائی و اقدامات عملیاتی است. به موجب حقوق بین‌الملل، به آن گونه که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری منعکس شده است، عرف بین‌المللی در زمره یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود و با معاهده بین‌المللی، هم‌سنگ و هم‌ارزش است. چه این که، یک عرف مؤخر می‌تواند یک معاهده مقدم را نسخ کند. همان‌گونه که معاهده بین‌المللی، به‌عنوان یکی از سازوکارهای قاعده‌سازی در حقوق بین‌الملل

شناخته می‌شود، عرف بین‌المللی نیز در زمره سازوکارهای ایجاد قاعده در حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. ایجاد قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، مستلزم وجود رفتار تکرار شونده و باور حقوقی به الزام آور بودن آن رفتار است. کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، به صورت مستمر، در هر سال برگزار می‌شود و شخصیت‌های فرهیخته، اندیشمندان برجسته، مفتیان اعظم و شخصیت‌های سیاسی کشورهای اسلامی در آن حضور و مشارکت دارند. برگزاری مستمر، نظام‌مند و هدفمند کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، با حضور اندیشمندان و صاحب‌نظران کشورهای اسلامی، بستر مناسبی برای ایجاد رفتار تکرار شونده و باور حقوقی به الزام آور بودن آن رفتار، به‌عنوان دو عنصر اصلی حقوق بین‌الملل عرفی که خود یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است، دانسته می‌شود.

در این خصوص، شایسته توجه است که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در مجموعه مواد ۲۰۱۸ خود راجع به احراز حقوق بین‌الملل عرفی، همسو با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، تصریح داشته است که قاعده حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند در سطح منطقه‌ای و به تعبیری، به‌طور خاص باشد. کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی بستر مناسبی برای تکوین قاعده یا قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در بین کشورهای اسلامی فراهم کرده است و ظرفیت مناسبی فراروی کشورهای اسلامی برای نیل به اهداف اسلامی در دنیای متشقت امروز است. در وضعیتی که سازمان همکاری اسلامی نتوانسته است به اهداف خود از جمله احقاق حقوق فلسطینیان نائل آید و حتی برخی از کشورهای عضو آن سازمان، در نقض تعهداتی که به موجب اساسنامه سازمان همکاری اسلامی دارند، مبادرت به عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی کرده‌اند، کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی نقش بسیار حائز اهمیتی در اتحاد اسلامی، صلح، اجتناب از تفرقه و اختلاف در جهان اسلام دارد.

### نتیجه

تشکیل سازمان همکاری اسلامی، با این منظور بوده است که از مردم فلسطین که اکنون تحت اشغال خارجی هستند، حمایت کند تا بتوانند به حقوق خود، نظیر حق تعیین سرنوشت، دست یابند. هرگونه اقدام کشورهای اسلامی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مغایر با رسالتی دانسته می‌شود که برای سازمان همکاری اسلامی ترسیم شده است. هر یک از کشورهای عضو سازمان بین‌المللی، چنانچه تعهد



بین‌المللی خود را نقض کنند، مسئولیت بین‌المللی دارند. این تعهد بین‌المللی، چنانچه ناشی از سند مؤسس آن سازمان باشد، لازم است که سازمان یاد شده، سازوکار مناسبی اتخاذ کند. با توجه به این که، سازمان همکاری اسلامی، با تکیه بر دین مبین اسلام، به منظور لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و جلوگیری از تزلزل صلح و امنیت بین‌المللی و کمک به دوام آن، تأسیس شده است، اساساً هرگونه کمک یا مساعدت با رژیم صهیونیستی مغایر با رسالت این سازمان قلمداد می‌شود. کمک یا مساعدت می‌تواند عمل ایجابی یا عمل سلبی (ترک فعل) باشد. در وضعیت کنونی، با توجه به این که این نقض تعهد بین‌المللی که توسط برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی صورت گرفته است، یک نقض مستمر دانسته می‌شود، به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس شده، توقف نقض یاد شده بایسته است.

در این راه، کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، بستر مناسبی برای تکوین و احراز حقوق بین‌الملل عرفی در میان کشورهای اسلامی فراهم کرده است. ایجاد قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، مستلزم وجود رفتار تکرار شونده و باور حقوقی به الزام آور بودن آن رفتار است. برگزاری مستمر، نظام‌مند و هدفمند کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، با حضور اندیشمندان و صاحب‌نظران کشورهای اسلامی، بستر مناسبی برای ایجاد رفتار تکرار شونده و باور حقوقی به الزام آور بودن آن رفتار، به‌عنوان دو عنصر اصلی حقوق بین‌الملل عرفی که خود یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است، دانسته می‌شود. در این خصوص، شایسته توجه است که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در مجموعه مواد ۲۰۱۸ خود راجع به احراز حقوق بین‌الملل عرفی، همسو با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، تصریح داشته است که قاعده حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند در سطح منطقه‌ای و به تعبیری، به طور خاص باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- پیرمحمدی، سعید؛ طاهری، طاهر؛ باباتبار، ابوالقاسم، ۱۴۰۱، تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ، **آفاق امنیت**، شماره ۵۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ کریمی، مهدی؛ وکیلی، بهنام، ۱۴۰۰، عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۹۶.

### لاتین

- International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts [ARSIWA], 2001.
- Charter of Organization of Islamic Cooperation [OIC Charter], 1972.
- OIC Charter, op. cit.